

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

پژوهشکده ادبیات

پایان نامه برای اخذ کارشناسی ارشد

زبان و ادبیات عرب

عنوان :

یکتا پرستی در اشعار جاهلی

استاد راهنما :

دکتر سید حمید طبیبیان

استاد مشاور :

دکتر قیس آل قیس

پژوهشگر :

علی یعقوبی

اسفند ۱۳۸۹

ربیع الثانی ۱۴۳۲



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

هیأت داوران در جلسه مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۲۴

پایان نامه تحصیلی آقای علی یعقوبی دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب

تحت عنوان:

یکتاپرستی در اشعار جاهلی

را بررسی کردند و پایان نامه با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱. استاد راهنمای پایان نامه، آقای دکتر سیدحمید طبیبیان با مرتبه علمی استاد

۲. استاد مشاور پایان نامه، آقای دکتر قیس آل قیس با مرتبه علمی دانشیار

۳. استاد داور داخل گروه، آقای دکتر عبدعلی فیض الهزاده با مرتبه علمی استادیار

امضای رئیس پژوهشگاه

امضای مدیر گروه

امضای نماینده مدیریت تحصیلات تکمیلی

۱۹۱۵۲۵
ر.د.ف.

تقدیم به :

مادرم

که قدم هایش را روی چشمانم می گذارم

تا چشمانم بهشت را نظاره کنند .

تقدیر و تشکر :

ضمن سپاس و ستایش از خداوند که خود ، خویشتن را به ما شناسانده و نعمت بزرگ شکر و سپاس گذاری اش را به ما الهام کرده است و ما را به اخلاص در توحید و یگانه انگاشتنش راه نموده است .

بر خود لازم می دانم از کلیه ی عزیزانی که در تدوین این پایان نامه مرا مددکار بوده اند به خصوص جناب آقای دکتر سید حمید طیبیان که با راهنمایی مدبرانه و دلسوزانه ی خود در امر تحقیق مرا یاری نمودند تشکر و قدر دانی کنم و همچنین از استاد مشاور و مشوق بنده جناب آقای دکتر قیس آل قیس صمیمانه تقدیر و تشکر می نمایم و از درگاه ایزد منان برای همه ی این عزیزان و تمامی اساتید بزرگواری که افتخار شاگردی آنها را داشتم آرزوی توفیق دارم .

چکیده :

توحید ، مصدر و از ریشه ی « وَحَدَ ، يَحْدُ ، وَحَدَّةً ، حِدَّةً » به معنای تنها ماند ، است و در اصطلاح آن را ایمان « بِاللّهِ وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ » معنا کرده اند . بنابراین توحید همان اعتقاد به یگانگی خداوند است . توحید یکی از اصول اساسی تمام ادیان است و دیگر اصول و عقاید به گونه ای مستقیم و غیر مستقیم با آن در ارتباط هستند . پس اگر ما بخواهیم به ارزش ها و مفاهیم حقیقی و ناب توحیدی ، دسترسی پیدا کنیم باید از زاویه دین به آنها نگاه کنیم . ما می توانیم مفاهیم و ارزشهای دینی ای را که مستقیم یا غیر مستقیم با توحید در ارتباط است در شعر شعرای جاهلی بیابیم . این اشعار نمایانگر این است که شعرای جاهلی این مفاهیم و ارزشها را از دینی گرفته اند که از آن متأثر یا بدان پایبند بوده اند . برای روشن سازی این باور ، رساله حاضر به بررسی اندیشه های دینی و توحیدی شعرای دینی دوره ی جاهلی می پردازد . لازم به یاد آوری است که این رساله در فصلی جداگانه به بررسی اندیشه های دینی و توحیدی شاعرانی پرداخته که دینشان برای ما مشخص نبوده است . اندیشه های دینی و توحیدی که شاعران جاهلی در شعر شان بدان اشاره کرده اند ، عبارت است از :

- وصف خداوند و کمالات او .

- همتا و شريك قرار ندادن برای خداوند .

- رستاخیز و قیامت و عقاب و پاداش خداوند در آن روز .

- داستانهای انبیاء .

- وصف فرشتگان .

- فانی بودن دنیا و عدم جاودانگی در آن .

- تقوا و پرهیز کاری .

- وصف پدیده های آفرینش .

- و

فهرست مطالب:

پیشگفتار.....	۱
فصل اول : توحید.....	۴
۱-۱ : تعریف توحید	۵
۲-۱ : تعریف توحید از دیدگاه متکلمان ، حکما ، عرفا و صوفیه	۵
۳-۱ : اهمیت توحید	۵
۴-۱ : مراحل و مراتب توحید از دیدگاه حکما و عرفا و صوفیه	۶
فصل دوم : ادب در عصر جاهلی	۷
۱-۲ : جاهلیت و معنای آن	۸
۲-۲ : مقام و منزلت شاعر جاهلی و تأثیر کلامش	۹
۳-۲ : شعر جاهلی و چگونگی پیدایش و تکامل آن	۱۱
فصل سوم : بررسی ادیان عصر جاهلی	۱۳
۱-۳ : دین و مفهوم آن	۱۴
۲-۳ : حنیف	۱۶
۳-۳ : یهود	۱۸
۴-۳ : نصاری	۲۰
فصل چهارم : شاعران دینی جاهلی و دیدگاه و اندیشه های توحیدی آنان :	۲۳
بخش اول: شاعران حنیف	۲۴

٢٥..... ١-١ : حضرت ابوطالب (ع)

٢٥..... ١-٢ : زيد بن عمرو بن نفيل

٣٠..... **بخش دوم : شاعر يهودى**

٣١..... ٢-١ : سموأل بن عاديا

٣٥..... **بخش سوم : شاعران نصرانى**

٣٦..... ٣-١ : امرؤ القيس

٣٧..... ٣-٢ : حاتم الطائي

٣٨..... ٣-٣ : أفنون

٣٩..... ٣-٤ : عمرو بن كلثوم

٤٠..... ٣-٥ : قس بن ساعدة

٤٤..... ٣-٦ : أمية بن ابى الصلت

٧٦..... ٣-٧ : الحارث بن عباد

٧٧..... ٣-٨ : المرقش الاكبر

٧٨..... ٣-٩ : طرفة بن عبد

٧٨..... ٣-١٠ : المتلمس

٧٩..... ٣-١١ : الأعشى الأكبر

٨١..... ٣-١٢ : الحارث بن حلزة

٨٢..... ٣-١٣ : سويد بن ابى كاهل اليشكرى

٨٣..... ٣-١٤ : عدى بن زيد

٨٥..... ٣-١٥ : سلامة بن جندل

٨٦..... ٣-١٦ : اوس بن حجر

- ۱۷-۳ : زهير بن أبى سلمى ۸۷
- ۱۸-۳: عبید بن الأبرص ۹۰
- ۱۹-۳ : ورقة بن نوفل ۹۱
- ۲۰-۳ : ذو الأصبع العدوانى ۹۵
- ۲۱-۳ : النابغة الذبیانی ۹۵
- ۲۲-۳ : الحصین بن الحمام ۱۰۰
- ۲۳-۳ : كعب بن سعد الغنوى ۱۰۱
- ۲۴-۳ : دُرید بن الصَّمّة ۱۰۲
- ۲۵-۳ : عنترۃ العبسی ۱۰۳
- فصل پنجم : سایر شعراى جاهلی ، دیدگاه و اندیشه هاى دینی و توحیدی آنان : ۱۰۵
- ۵-۱: ابواذینه ۱۰۶
- ۵-۲ : قیس بن خطیم ۱۰۷
- ۵-۳ : عامر بن الطفیل ۱۰۸
- ۵-۴: لبید بن ربیعۃ ۱۰۸
- ۵-۵ : الخنساء ۱۱۸
- ۵-۶: الحُطیئة ۱۱۹
- فصل ششم : خاتمه ۱۲۰
- ۶-۱ : جمع بندى و نتیجه ۱۲۱
- ۶-۲: منابع و مآخذ ۱۲۴
- ۶-۳ : فهرست اشعار ۱۲۸
- ۶-۴: فهرست واژه ها ۱۵۷

٥-٦ : مَلَخَصُ الْأَطْرُوحَةِ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ ١٧٠

٦-٦ : چكیده به زبان انگلیسی ١٧٧

پیشگفتار :

اول سپاس از آن اوست که وجودم از وجود اوست و هر آنچه دارم از دادن اوست و هر آنچه می طلبم در طلب اوست . ستایش مخصوص اوست که هم داور است و هم دادرس و هم قاضی است و هم شافی .

پس از بررسی و مطالعه ی اشعار جاهلی ، با ابیات و شعر های توحیدی همچون :

فَلَا تَكْتُمَنَّ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ
لِيَخْفَى وَ مَهْمَا يُكْتَمِ اللَّهُ يَعْلَمِ
يُؤَخِّرْ فَيُوضِعْ فِي كِتَابٍ فَيُدْخِرْ
لِيَوْمِ الْحِسَابِ أَوْ يُعَجِّلْ فَيَنْقَمِ

(لویس شیخو، ۱۹۲۶م، ص: ۵۱۸)

أَسْلَمْتُ وَجْهِي لِمَنْ أَسْلَمَتْ
لَهُ الْأَرْضُ تَحْمِلُ صَخْرًا ثِقَالًا

(همان منبع، ص ۶۲۱)

فَلَيْتَنِي رَبُّكَ مِنْ رَحْمَتِهِ
كَشَفَ الضِّيقَةَ عَنَّا وَ فَسَحَ

(همان منبع، ص ۳۹۵)

مواجه شدم که با مفاهیم و ارزشهای دینی به طور مستقیم یا غیر مستقیم در ارتباط است که این سؤال ها در اذهان پدیدار می سازد که :

الف - آیا اشعار توحیدی جاهلی متأثر از دین است ؟

ب- آیا شعرای جاهلی متأثر از دین یا پایبند به دین بوده اند ؟

ت- آیا تأثیر و پایبندی شعرای دینی عصر جاهلی باعث شده است که مفاهیم و ارزشهای دینی در شعرشان انعکاس یابد ؟

برای اثبات این فرضیه ها ، رساله ی حاضر به بررسی اندیشه های دینی و توحیدی شعر شاعران جاهلی و مخضرمی می پردازد .

این رساله شامل چکیده و پیشگفتار و شش فصل است .

فصل اول این رساله به توحید اختصاص دارد و دارای عناوینی همچون : تعریف توحید ، تعریف توحید از دیدگاه متکلمان و حکما و عرفا و صوفیه ، اهمیت توحید ، مراحل و مراتب توحید از دیدگاه حکما و عرفا و صوفیه است . فصل دوم ادب در عصر جاهلی نام دارد و دارای سه عنوان است و عبارتند از : جاهلیت و معنای آن ، مقام و منزلت

شاعر جاهلی و تأثیر کلامش ، شعر جاهلی و چگونگی پیدایش و تکامل آن . فصل سوم به بررسی ادیان آسمانی عصر جاهلی یعنی حنیف ، یهود ، نصاری ، پرداخته می شود . فصل چهارم ویژه ی شاعران جاهلی و دیدگاهها و اندیشه های توحیدی آنان است و شامل سه بخش است : ۱- شاعران حنیف ۲- شاعر یهودی ۳- شاعران نصرانی در این فصل و در هر بخش آن پس از تقسیم بندی شاعران بر اساس دینشان ، تعریف و توضیحی درباره ی هر شاعر و ویژگی های زندگی و شعری وی آورده شده است و پس از آن ابیات شاعران شماره گذاری گردیده و به شرح لغات دشوار و ترجمه ی آنها پرداخته شده است و گاهی نیز به بررسی نکات نحوی و صرفی و بلاغی و واژگانی ابیات پرداخته شده است .

فصل پنجم به بررسی شعرای جاهلی پرداخته است که دین آنها برای ما مشخص نبوده ولی دارای اندیشه های دینی و توحیدی هستند .

فصل ششم خاتمه نام دارد و دارای عناوینی است همچون:

- ۱- جمع بندی و نتیجه ۲- منابع و مآخذ ۳- فهرست اشعار
- ۴- فهرست واژه ها ۵- مَلَخَصُ الْأَطْرُوحَةِ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ ۶- چکیده به زبان عربی

در اینجا لازم است چند نکته را که گفتن آن ضروری می نماید ، یادآور شوم :

۱. هدف این رساله ، بررسی و پژوهش عقاید و اندیشه های دینی و توحیدی شاعران جاهلی و مخضرمی است و محدود به پژوهش در افکار و اندیشه های دینی و توحیدی شاعران یکتا پرست نمی باشد .

۲. از آوردن شعر های شاعران مخضرمی که مشخص شده است شعرشان در دوره ی اسلامی سروده شده است خود داری کرده ایم .

۳. ترتیب ادیان که در این رساله مورد بررسی قرار گرفته است ، بر اساس قدمت تاریخی آنها در شبه جزیره العرب می باشد .

۴. مبنای محاسبه ما در مورد پایان عصر جاهلی و شروع دوره اسلامی، سال ۶۲۲ م می باشد.

۵. بیشتر اشعار دینی و توحیدی حضرت ابوطالب(ع) قبل از سال ۶۲۲م و در دفاع از حقانیت دین اسلام و رسالت حضرت محمد(ص) سروده شده است و به خاطر اینکه بیشتر مفاهیم دینی و توحیدی اشعار او دارای عقاید اسلام است، ترجیح دادیم که به ذکر دو بیت از اشعار بسیار توحیدی او اکتفا کنیم.

در پایان بر پژوهش گر فرض است که از استادان گرانمایه و سروران ارجمند آقایان دکتر سید حمید طبیبیان و دکتر قیس آل قیس که هر يك به نوبه ی خویش از روی لطف و کرامت بر وی منت نهاده اند و از آغاز تا پایان کار ، بنده را از راهنمایی های ثمر بخش خویش ارشاد فرمودند ، سپاس بی کران عرضه گرداند و معترفم که عنایات خدای والایه و یاری های این بزرگ واران نبود ، راه به جایی نمی بردم .

این همه گفتیم لیک اندر بسیج	بی عنایات خدا هیچیم هیچ
بی عنایات حق و خاصان حق	گر مَلَك باشد سیاه استش ورق
علی یعقوبی (زمستان ۱۳۸۹ هـ. ش)	

فصل اوّل

توحید

۱-۱: تعریف توحید

توحید، مصدر و از ریشه ی « وَحَدَ ، يَحِدُ ، وَحَدَةً ، حِدَةً » به معنای تنها مانده است و در اصطلاح آن را ایمان « بِاللّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ » معنا کرده اند . بنابراین توحید همان اعتقاد به یگانگی خداوند است . (شریفاتی ، ۱۳۸۴ هـ .ش ، ص ۴۲)

۲-۱: تعریف توحید از دیدگاه متکلمان ، حکما ، عرفا و صوفیه

توحید در دیدگاه متکلمان ، یکی از اصول دین است و در نزد حکمای اسلامی مراد از توحید ، مجرد دانستن ذات الهی است از هر آنچه آن را به شائبه ی تعدد و کثرت و شبیه و شریک بیالاید . در نزد عرفا و صوفیه توحید مرادف است با اعتقاد به آن که « حق » و وجود حقیقی و واقعی فقط ذات خداوند است و وجود ما سوای حق در واقع « بود » نیست بلکه « نمود » است . و در مثابه ی سایه ی حق و تبع اوست . (مصاحب ، ۱۳۸۱ هـ .ش ، ج ۱ ، ص ۶۸۰)

۳-۱: اهمیت توحید

الف : اکثر آیات قرآن و روایات معصومین به طور مستقیم یا غیر مستقیم به توحید باز می گردند و از مجموع تعالیم قرآن و حدیث خطوط کلی به دست می آید که برخی از آنها عبارت است از :

- رستگاری و نجات و فلاح انسان فقط در پرتو توحید حاصل می شود و پیامبر اکرم (ص) فرمودند : « قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلَحُوا ^۱ » بگوئید هیچ پروردگاری جز خداوند نیست تا رستگار شوید .

^۱ - المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۲۰۲

«بالتَّوْحِيدِ حُرْمَ اجْسَادُ أُمَّتِي عَلَى النَّارِ»^۱ با یکتا پرستی (خداوند) است که جسم های امت من بر آتش حرام و ممنوع شده است .

- توحید مایه ی حیات معنوی فرد و جامعه است . چنانکه حضرت علی (ع) فرمودند : «التَّوْحِيدُ حَيَاةُ النَّفْسِ»^۲ یکتا پرستی مایه ی حیات (معنوی) انسان است .

ب: اعتقاد به توحید ما را به این باور می رساند که تمام جهان به نوع خاصی مرتبط به خداوند است و نامحدود بودن اسماء و صفات او موجب عجز بشر از درک حقیقت او گردیده است .

ج: اعتقاد به توحید ، انسان را به این شناخت می رساند که همه ی کمالات و زیبایی ها منحصر به ذات خداوند است و همین اعتقاد در مرحله ی عمل ، به یکپارچگی جامعه ی بشری می انجامد و از اختلاف و تشتت جلوگیری می کند ، چرا که انسانها را با حرکت هماهنگ به یک جهت وادار می سازد (شریفاتی ، ۱۳۸۴ هـ.ش ، صص ۴۳ و ۴۴) .

۱-۴ : مراحل و مراتب توحید از دیدگاه حکما و عرفا و صوفیه

حکما برای توحید سه مرحله قائل شده اند : ۱- معرفت به ربوبیت پروردگار ۲- اقرار به وحدانیت او ۳- نفی هر چه مثل و شبیه او فرض شود .

توحید در نزد عرفا و صوفیه دارای سه مرحله است : ۱- توحید ذات : ذات و وجود واقعی را مخصوص حق دانند و وجود هر ذات دیگر را نفی کنند ۲- توحید صفات : تمام صفات را مخصوص او دانند و صفات را از همه ی ما سوی نفی کنند ۳- توحید افعال : همه ی افعال را به حق منسوب دارند (مصاحب ، ۱۳۸۴ هـ.ش ، ج ۱ ، ص ۶۸۰) .

^۱ - المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۰۶

^۲ - جلوه های حکمت، ص ۱۱۵

فصل دوم :

ادب در عصر جاهلی

۱-۲ : جاهلیت و معنای آن

مسلمانان را عادت بر این شده است که دوران های پیش از اسلام - چه نزدیک و چه دور - را دوران جاهلیت بنامند . تردیدی نیست که این نام پیوسته با نوعی تحقیر همراه بوده است (آذر نوش ، ۱۳۷۴ هـ. ش ، ص ۱۵) .

در مورد معنی جاهلیت دو وجه اشتقاقی برای آن بیان کرده اند . برخی آن را از جهل به معنی عدم آگاهی و علم دانسته اند و برخی دیگر آن را مشتق از جهل به معنی سفاهت و خشم و غضب دانسته اند . (خزعلی ، ۱۳۸۸ هـ. ش ، ص ۴۱) .

دانشمندان اسلام و نیز گروهی از خاور شناسان این تسمیه را چنین توجیه می کنند : چون پیش از اسلام ، تازیان را تمدنی نبوده است و پیوسته از جایی به جایی دیگر کوچ می کردند و اغلب خدایی جز بتهای متعدد نداشتند و در نتیجه در جهان تاریکی ها و نادانی ها غوطه ور بودند ازاین رو به آنان « جاهل » گفتند و دورانشان را « جاهلیت » نامیدند . این واژه به همین معنای معروف در اشعار منسوب به پیش از اسلام نیز آمده است . به عنوان نمونه عنتره بن شداد العبسی گوید : « إِنْ كُنْتَ جَاهِلَةً بِمَا لَمْ تَعْلَمِي » اگر بی خبر از (شجاعت و دلاوری و جنگاوری) من هستی . اما خاورشناس مشهور آقای گلد زیهر ، این معنی یعنی نادانی و جهل را معنای ثانوی واژه می پندارد و معتقد است که جهل ، ضد علم « دانستن » نیست بلکه در مقابل « حلم » به معنی بردباری و بخشندگی و لیاقت می نشیند و به این ترتیب معنای نخستین و اصلی آن خشن و ناهنجار بودن و سخت و خود ستا بودن و غیر آن است . از آن جمله است شعر شنفری : « وَلَا تَزِدْهُي الْأَجْهَالُ حِلْمِي ... » نادانی ها (هوا و هوس) نمی تواند بر بردباری من غلبه یابد .

احمد امین نیز عقیده ی گلدزیهر را تأیید می کند و می گوید معنی اصلی جهل سفاهت و غضب و خود ستایی است . و در حدیثی به این معنی اشاره شده است : « وَلَكِنْ إِنْ جَهَلْتَهُ »

الْحَمِيَّةُ» خود ستایی و غضب او را به جهل « ضد حلم و بردباری » انداخت . یا از قول حضرت محمد (ص) : « إِنَّكَ إِمْرَأٌ فِیْكَ جَاهِلِيَّةٌ » تو انسانی هستی که در تو روح جاهلیت موجود است . این همه معانی در پیش از اسلام شهرت فراوان داشته است و اسلام با آنها به مبارزه پرداخت و در عوض آرامش نفس و فروتنی و نیکو کاری را تبلیغ کرد . (آذرنوش ، ۱۳۷۴ هـ . ش ، صص ۱۵ و ۱۶)

در پایان شایسته است به این نکته اشاره کنیم که بیشتر کتب لغت عربی « جهل » را در مقابل « علم » قرار داده اند اما برخی از ادبا و مورخان و خاور شناسان بر این اعتقادند که « جهل » در مقابل « حلم » قرار دارد نه « علم » (فروخ ، ۱۹۸۴ م ، ص ۷۳) .

۲-۲ : مقام و منزلت شاعر جاهلی و تأثیر کلامش :

شاعر در عصر جاهلی منزلتی رفیع داشت و به قول پروفیسور شرق شناس نولد که : « شاعر ، پیامبر قبیله و پیشوای آن در زمان صلح و قهرمان آن در زمان جنگ بود . به هنگام جستجو به او رأی می زدند و تنها به فرمان او خیمه ها را بر پا می کردند یا کوچ می نمودند و او بود که خیل تشنگان را در یافتن آب مدد می کرد ... » . بنابراین مقام شاعر برتر از خطیب و تأثیرش بیشتر از او بود زیرا شعر بیشتر از نثر در خاطره ها جای می گزیند و روایت آن ، زبان را آسان تر است . قدرت شاعر گاه از رئیس قبیله هم فراتر می رفت و قبیله در پرتو الهام شاعر راه صواب می یافت و در مشکلات امور قضایی یا معضلات دیگر اجتماعی دست به دامان شاعر می شد . سخن شاعر بالاتر از هر سخنی بود و گفتارش از نوک نیزه ها نیش دار تر و حکمش از حکم شرع نافذ تر بود . گاه شاعر با يك بیت بر شأن و رتبت قبیله ای می افزود و یا از آن می کاست . هر قبیله می کوشید حتی پیش از داشتن پیشوا و خطیب ، شاعری داشته باشد و چون در قبیله شاعری پدید می آمد ، جشن ها می گرفتند و مهمانی ها می دادند و قبایل دیگر به دیدارشان می آمدند تا وجود کسی را که به زودی قبیله را با شعر خویش راه خواهد نمود و از حیثیت و شرف آن به دفاع بر خواهد خواست تبریک بگویند . (الفاخوری ، ۱۳۸۱ هـ . ش ، صص ۴۰ و ۴۱) . همچنین شاعر جاهلی دارای مکان و موقعیت خاصی بین مردم

چه در قریه ها و چه در بادیه ها داشت و به خاطر ترس از زبانش بود که مردم سعی در راضی نگه داشتن او می نمودند .

همانطور که ذکر شده مردم عصر حطیئه و اعشی سعی در جلب رضایت آنان داشتند و شاعر جاهلی از این جایگاه بسیار استفاده می برد و نه تنها خود شاعر از مواهب مادی و رفاهی این موقعیت بهرمند می گشت بلکه همه ی آنان که به گونه ای به او منتسب بودند یا با او ارتباط داشتند از این راستا به نوایی می رسیدند و شاید همین اهداف شاعر جاهلی موجب شده بود که سران مشرك در پی راه حلی برای خاموشی وحی بر آیند و به نزد پیامبر آمده و به او پیشنهاد دادند که اگر به دنبال نام و مقام هستی تو را به ریاست برمی گزینیم و اگر مال و ثروت می خواهی تو را به وفور بهرمند می سازیم و اگر مسائل دیگر طلب می کنی مثل داشتن زیباترین زنان و غیره ، آن را به تو می دهیم و چنین دید گاهی در مورد شاعر موجب می شد که گروهی به طمع این امور به شاعر جاهلی نزدیک شوند و برای نمونه نقل کرده اند : مُحَلَّق بن حنتم بن شداد عامری از کسانی بود که به واسطه ی شعر و اثر آن به مقام و موقعیتی دست یافت . ذکر شده که وقتی اعشی به کعبه وارد شد همسر محلق به او گفت تو از دیگران بر دعوت او به مهمانی سبقت گیر (و بدین وسیله می خواست تنگدستی و مشکلات خانواده ی خویش را بگشاید و این در حالی بود که محلق صاحب چند دختر بود) . پس او را دعوت کردند و وقتی که به طور کامل پذیرایی شد و شراب نوشید ، دانست که این خانواده ، خانواده ی تنگدست و عیالواری است لذا به بازار عكاظ رفت و قصیده ی معروف خود را که مطلع آن چنین است سرود :

أَرِقْتُ وَمَا هَذَا السُّهَادُ الْمَوْرَقُ وَمَا بِي سَقَمٌ وَمَا بِي مَعَشَقُ

«شب را تا به صبح به بیداری گذراندم و این بیداری نه از روی بیماری و نه به خاطر دلدادگی بود»

سپس محلق را مدح نمود و پس از سرودن این قصیده بود که مردم به خانه ی محلق هجوم برده و به او تبریک گفتند و اشراف قبایل در خواستگاری بر دخترانش بر یکدیگر سبقت گرفتند (خزعلی ، ۱۳۸۸ هـ . ش ، صص ۶۶ و ۶۷) .

۲-۳: شعر جاهلی و چگونگی پیدایش و تکامل آن :

شعر در لغت به معنی علم و شاعر به معنی عالم است . آن طور که شوقی ضیف در کتاب خویش (الفن و مذاهبه فی الشعر العربی) به نقل از کتاب (البیان والتبیین) جاحظ آورده است شعر نوعی از صناعات بوده و عربان آن را در ردیف برد یمانی و زیور لباس و دیباج و نقش و نگار لباس و نظایر آن می دانستند . (ظرافتکار ، ۱۳۸۱ هـ.ش ، ص ۲۲۷).

شعر جاهلی در بادیه های نجد و حجاز و سرزمینهای پیوسته به آنها در شمال جزیره العرب پدید آمد و رشد کرد . و بادیه چونان مدرسه ای بود که شاعران جاهلی در آن پرورش می یافتند . بادیه همواره مهبط الهامات شعری بود و احساسات را رقیق و دل را صفا می بخشید و شعر در آن مقامی رفیع و تأثیری شگرف داشت . (الفاخوری ، ۱۳۸۱ هـ.ش ، ص ۴۰).

بر کسی پنهان نیست که این شعر عربی مراحل بسیار و تحولات و تهذیب و توجه و آموزش بسیاری را گذرانده تا به آن حد از اتقان و زیبایی و نو بودن رسیده است که در اواخر عصر جاهلی می بینیم بین آوازخواندن و سرودن نغمه برای شتر و غنا که گمان می رود اجزای تشکیل دهنده ی شعر عربی هستند و بین قصیده متین و استوار مدت زمان طولانی سپری گشته است . این تحول در هر هنری واقع گردد لازمه اش اندیشه و معرفت است . هر هنری برای آنکه به درجه عالی نضج و کمال برسد باید زمان طولانی را طی کند شعر نیز چنین است ، شعر با آواز خوانی برای شتر و مناجات برای نفس و دردل صحرا ها در رجزی متحد الوزن آغاز شد که حرکات و سکناش با گام برداشتن شتر هماهنگ بود . آنگاه که این نغمه گوینده اش را خوش آمد و شنونده اش را به طرب آورد ، ترنم آغاز کرد تا لذت آغازینش را باز یابد در اراجیزش اطاعه کرد و در آوازش هنر نمایی . سپس افکار و تجاربش را چاشنی آن اوزان طرب انگیز کرد و عواطف خود را در آن متجلی ساخت و آرزوها و اندوه هایش را در آن در آورد و ایام خوش و روزهای دل انگیز کودکی و مکنونات قلبی اش را در آن متجلی ساخت . آنگاه بر اطلال گریست و به اولیاء خود فخر ورزید و دستاورد و عظمتشان را سرود .

به دشمنان نیرنگ زد و آنان را نکوهش کرد چنان که گویی شمشیر و نیزه به رویشان کشیده است . برای محبوبش غزل سرود و آن کس را که از دست داد رثا گفت . به طور اجمال باید گفت در شعر خود زندگی اش را با درشتی و نرمی هایش وصف کرد و با آن از پستی و بلندی های زندگی گذر کرد . (ظرافتکار ، ۱۳۸۱ هـ . ش ، صص ۲۲۷ و ۲۲۸) .

در خاتمه این بحث شایسته است بگوئیم شعر جاهلی با آواز خواندن و سرودن نغمه برای شتر و غنا و همچنین گریستن بر اطلال و دمن آغاز می شد و در ادامه ی شعر ، شاعران به ذکر مطلب و موضوعات می پرداختند اما با گذشت زمان شعر جاهلی روند تکامل خود را طی کرد تا به جایی که شعرا شعر خود را به گریستن بر اطلال و دمن و آواز خواندن و سرودن نغمه برای شتر پایبند نمی کردند و از ابتدا با موضوعاتی همچون رثا و غزل و مدح و غیره به سرودن شعر می پرداختند و این گونه بود که بر موضوعات جاهلی افزوده شد . ابیات توحیدی شعرای جاهلی که بیشتر تحت عنوان حکمت مطرح می شود ، نیز چنین وضعی داشت یعنی این گونه ابیات را بیشتر شاعران در لابه لا شعر ها و بیت ها ی خود مطرح می کردند اما در اثر گذشت زمان و با روند تکامل شعر ، شاعرانی به ویژه در اواخر عصر جاهلی آمدند که از ابتدا شروع به سرودن شعر های توحیدی و دینی کردند .